

برنامه «ماه من» در شرایط شیوع ویروس کرونا روی آنتن می رود و به همین دلیل همه چیز بهداشتی است و شباهتی به پشت صحنه دیگر برنامه های زنده ندارد. در مجتمع سرچشمه جنب و جوش زیادی دیده می شود، در حالی که این ساعت معمولاً روزه داران تازه بیدار می شوند تا برای عبادت سحرگاهی و خوردن وعده سحری آماده شوند

گزارش پرو پیمانی از برنامه «ماه من» که بینندگان سحرخیز زیادی جذب کرده است

سحر با ماه می گفتم...



محمد وفایی
روزنامه نگار

بعد از دوران نسبتاً طولانی یکه تازی رادیو در سحرهای ماه مبارک رمضان که برای بسیاری از مردم خاطره انگیز بود، چند سالی است که تلویزیون در سحرگاه های ماه بندگی خدا انتخاب تعداد بیشتری از روزه داران است. روشن بودن تلویزیون در طول روز برای بسیاری از خانواده ها به یک عادت تبدیل شد و این عادت به مرور به سحرهای ماه رمضان هم تسری پیدا کرد. بیش از یک دهه از آغاز برنامه «سمت خدا» با اجرای نجم الدین شریعتی می گذرد و با توجه به موفقیت این برنامه، شبکه سه ترکیب برنده را حفظ کرد و برنامه سحرگاهی اش را نیز به شریعتی سپرد. این مطلب گزارشی از حضور در پشت صحنه برنامه زنده «ماه من» به تهیه کنندگی یوسف منصوری است.

اول کرونا بعد کار

ساعت از ۲ بامداد گذشته که از میدان بهارستان می گذریم و به مجموعه فرهنگی شهدای انقلاب اسلامی (سرچشمه) می رسیم؛ مجموعه ای که محل انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت دکتر بهشتی و یارانش هم هست. در شبشه ای و جلوتر در فلزی مجموعه باز است و بعد از ورود، اتاق نگهبانی دیده می شود. نگهبان مشغول تماشای تلویزیون است و همراه با یکی از برنامه ها مشغول مناجات و خواندن دعا است. با راهنمایی نگهبان به حیاط وارد می شویم و پس از گذشتن از مزار شهدای گمنام و محل وقوع حادثه انفجار دفتر حزب، سوله استودیو و عوامل تولید دیده می شوند. میثم فکری، مدیر فرهنگ و معارف شبکه سه به محل دقیق ضبط برنامه اشاره می کند. این برنامه در شرایط شیوع ویروس کرونا در کشور روی آنتن می رود و به همین دلیل همه چیز تمیز و بهداشتی است و شباهتی به پشت صحنه دیگر برنامه های زنده ندارد. تقریباً همه عوامل ماسک و دستکش دارند و به هر کس که وارد می شود، ماسک و دستکش می دهند. اینجا در مجتمع سرچشمه جنب و جوش و تحرک زیادی در بین افراد دیده می شود، در حالی که این ساعت معمولاً روزه داران تازه بیدار می شوند تا برای عبادت سحرگاهی و خوردن وعده سحری آماده شوند. «ماه من» چند دقیقه بعد قرار است روی آنتن برود.

چالش های پشت صحنه

روبه روی استودیو، رستوران مجموعه سرچشمه قرار دارد که تیم تولید وعده سحری را در آنجا صرف می کنند. تعدادی از عوامل در حال رفتن به رستوران

هستند، چون فرصت صرف سحری تا نزدیک ساعت ۳ است. البته غذای ساده و سبکی داده می شود تا تیم بتوانند برنامه را روی آنتن ببرند. بعضی ها هم ترجیح می دهند سحری را در خانه و در کنار خانواده بخورند و بعد به محل ضبط بیایند، به

همین دلیل جمع عوامل هنوز جمع نشده. کم کم همه به سمت استودیو می روند، سوله بزرگی که در یک سوم انتهایی اش دکور ساخته و دوربین ها را قرار داده اند. واحد سیار هم بیرون مستقر است. وسط سوله میزی گذاشته اند که شربت، چای و بطری

پنج دقیقه تا اذان



صدای نسبتاً بلندی شبیه صدای افتادن چیزی به زمین روی آنتن زنده شنیده می شود. تیم تولید کنجکا و می شوند و می بینند یک صندلی کج شده و روی زمین افتاده. کسی که مقصر این اتفاق بوده، سریع عذرخواهی می کند. تهیه کننده از شریعتی می خواهد در مسیر گفت و گو دخالتی نکند تا سریع تر به پایان برسد و مجری هم با تکان نامحسوس سرش این درخواست را اجابت

می کند. گفت و گو با حجت الاسلام کاشانی به اتمام می رسد و مجری جلوی دوربین می آید، نورها عوض می شوند تا پلاتوی پایانی گفته شود، چون فقط پنج دقیقه تا اذان صبح به افق تهران باقی مانده است. نورها خاموش می شود و برنامه به پایان می رسد. بلافاصله بعد از پایان، همه عوامل به سرعت به سمت میز نوشیدنی می روند و در آخرین فرصت ها با نوشیدن بیشتر مایعات، خود را برای روز پیش رو آماده می کنند. بعضی از عوامل هم این زمان را به مسواک اختصاص می دهند. همه به هم خسته نباشید می گویند و وقتی اذان صبح پخش می شود، تعدادی از عوامل نماز صبح را در مجموعه سرچشمه می خوانند و بقیه به خانه می روند. نجم الدین شریعتی، یوسف منصوری و دو سه نفر از افراد اصلی تیم تولید دور هم جمع می شوند و جلسه کوچکی می گذارند تا برای برنامه فردا برنامه ریزی کنند که از آنتن جا نمانند و ایده ها برای قسمت های بعدی را مرور می کنند. تهیه کننده به عنوان آخرین نفر از استودیو خارج می شود تا تولید و پخش یک قسمت از ماه من به پایان برسد.

آب روی آن قرار دارد و مسئول خدمات محتویات آن را مدام شارژ می کند. تصویربردارها، مسئول گریم، مجری، مدیر صحنه، مسئول فنی، کارگردان و تهیه کننده همه در جای خود هستند و مدیر صحنه کاغذی حاوی کنداکتور برنامه را در دست دارد. با هیجان فریاد می زند که ۵ دقیقه دیگر باید روی آنتن برویم. سراغ مجری را می گیرند که گریم شده یا نه. یک نفر سمت مدیر صحنه می رود و با او صحبت می کند. مدیر صحنه با جدیت به او می گوید که صحنه را تا قبل از ضبط ترک کند. تنش بالاتر می گیرد. فرد مقابل مدیر صحنه، یکی از مسئولان پروژه است و نسبت به نحوه ضلعفونی کردن دوربین ها گله دارد. مدیر صحنه ضمن اعلام اینکه فقط چند دقیقه تا شروع ضبط باقی مانده با جدیت به وی می گوید که صحنه را ترک کند تا ضبط شروع شود. در نهایت این مشکل با مداخله دستیار تهیه کننده حل می شود و تیم کم کم آماده آنتن می شوند.

برنامه زنده به خودی خود اضطراب زاست و برای جلوگیری از گاف در برنامه، نظم اهمیت بالایی دارد. به همین دلیل جر و بحث دو نفر از عوامل مهم در آستانه شروع پخش بحران بزرگی محسوب می شود، به ویژه اگر این برنامه ساعت ۴ صبح اجرا شود! شریعتی بدون توجه به این حواشی مشغول آماده شدن است، چون دو دقیقه بیشتر به آغاز برنامه نماند. مجری پلاتوی اول برنامه را می گوید و «ماه من» شروع می شود.

جدال نابرابر اشک و گریم

بعد از پلاتو، آیتم پخش می شود و بعد از آن راوی امشب به بیان خاطرات دفاع مقدس می پردازد. هر پنج شب یک راوی خاص درباره جنگ صحبت می کند و پس از آن بخش هایی مانند دعا و مناجات پخش می شود تا به گفت و گوی اصلی برنامه با حجت الاسلام حامد کاشانی می رسیم که اوج برنامه و پرمخاطب ترین بخش آن است. در طول برنامه کم کم مهمانان دیگری به پشت صحنه اضافه می شوند، بعضی از آنها مسئولان شبکه سه هستند و بعضی دیگر برای تهیه گزارش و عکس آمده اند. امروز یک خانواده هم آمده و یک زن و شوهر با فرزندشان مشغول تماشای برنامه از نزدیک هستند. با پرس و جو از عوامل معلوم می شود این خانواده از اقوام یکی از نفرات تولید برنامه است و حضور در پشت صحنه «ماه من» به ویژه برای کودک، جذاب است. برنامه روی غلتک افتاده و شریعتی با شنیدن خاطرات جنگ یا صحبت های کاشانی مدام اشک می ریزد و گریمش به هم می خورد. زمان پخش آیتم بهترین زمان برای تجدید گریم است. یوسف منصوری تهیه کننده در حال بالا پایین کردن کنداکتور و بی سیم زدن به مجری و عوامل دیگر است. وقتی دلیل تشویش او را جویا می شویم، می گوید امشب پخش زنده دعای سحر طولانی شده و الان ۱۰ دقیقه از آنتن عقب هستیم و باید کاری کنیم که جلو بیفتیم. او با حذف آیتم ها و کوتاه کردن گفت و گوها این هدف را دنبال می کند. ساعت نزدیک ۴ است و تیم تولید یک ساعت و نیم پیش وعده سحری را صرف کرده اند، اما هر چه به اذان صبح نزدیک می شویم، عوامل برنامه موقتاً مسؤولیت شان را ترک می کنند و به میز محبوب خوراکی ها سری می زنند و زود به جای خود برمی گردند. هر چه به اذان نزدیک تر می شویم، این رفت و برگشت ها بیشتر می شود.